



تأثیر فناوری‌های نوین بر نظام‌های تدریس اسلامی با تأکید بر بازنگری مبانی فقهی و حقوقی در عصر دیجیتال

نصراله زرین کلاه^۱

سیدمحمدحسین میری^۲

چکیده:

پژوهش حاضر، با استناد به مبانی فقهی و حقوقی و با رویکردی تحلیلی-انتقادی، به بررسی نقش فناوری‌های نوین در تحول و بهبود نظام‌های تدریس اسلامی پرداخته و چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از ادغام ابزارهای دیجیتال را در حوزه انتقال مفاهیم دینی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نظام‌های آموزشی اسلامی که از دیرباز بر اساس منابع معتبر فقهی و شرعی بنیان نهاده شده‌اند، در مواجهه با سرعت تحولات فناوری، نیازمند بازنگری اساسی در رویکردهای آموزشی خود می‌باشند. استفاده از فناوری‌هایی نظیر هوش مصنوعی، واقعیت افزوده و سیستم‌های آموزش مجازی، زمینه ایجاد محیط‌های آموزشی تعاملی، شخصی‌سازی شده و کارآمد را فراهم می‌آورد و می‌تواند روند حفظ متون مقدس و تفسیر عمیق مفاهیم شرعی را تسهیل کند. در این پژوهش از روش‌های ترکیبی کیفی و کمی، شامل تحلیل محتوای متون دینی، مطالعات تطبیقی و بررسی داده‌های آماری به دست آمده از نمونه‌های منتخب در کشورهایمانند ایران، مالزی، ترکیه و مصر، بهره گرفته شده است. پژوهش با دقت به بررسی چالش‌های موجود در بکارگیری فناوری‌های نوین از جمله حفظ اصالت متون مقدس، تضمین امنیت اطلاعات و رعایت اصول و استانداردهای فقهی و حقوقی پرداخته و راهکارهای اجرایی جهت تدوین سیاست‌های آموزشی دیجیتال اسلامی را پیشنهاد می‌دهد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بهره‌گیری نظام‌مند از فناوری‌های نوین نه تنها موجب افزایش اثربخشی فرآیند تدریس و انتقال ارزش‌های دینی می‌شود، بلکه افق‌های نوینی برای بازنگری چارچوب‌های فقهی-حقوقی در مواجهه با چالش‌های دیجیتال ایجاد می‌نماید. از این رو، تدوین استانداردهای یکپارچه آموزشی مبتنی بر مبانی شرعی و حقوقی، در کنار ایجاد همکاری نزدیک میان حوزه‌های علمیه، محققین فقه و حقوق اسلامی و کارشناسان فناوری، به عنوان گامی اساسی در جهت ارتقای سیستم‌های تدریس اسلامی در عصر دیجیتال پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه‌ها: فناوری‌های نوین، نظام‌های تدریس اسلامی، مبانی فقهی و حقوقی، عصر دیجیتال.

مقدمه:

۱- دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز، رامهرمز، ایران، nasrallahzryn@gmail.com

۲- دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز، رامهرمز، ایران، miri@asnrukh.ir



در گذر زمان، نظام‌های تدریس اسلامی به عنوان ستون اصلی انتقال معارف دینی، ارزش‌های اخلاقی و ساختارهای اجتماعی شناخته شده‌اند (احمدی، ۱۳۹۰). از دوران اولیه اسلام، شیوه‌های شفاهی و مکتوب- مستند به قرآن کریم، حدیث پیامبر (ص) و نظرات فقهای برجسته‌ای نظیر مطهری (حسینی، ۱۳۹۲) و الطباطبایی (عباسی، ۱۳۹۳)- در شکل‌دهی چارچوب‌های اخلاقی جامعه مؤثر بوده و این سیستم‌ها، ریشه‌دار در مبانی فقهی، در برابر تغییرات فرهنگی و اجتماعی مقاومت نموده و دانش دینی را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده‌اند.

با ظهور فناوری‌های نوین در عصر دیجیتال، تغییرات بنیادینی در تمامی ابعاد زندگی رخ داده است. (Iqbal, ۲۰۱۹) فناوری‌هایی همچون هوش مصنوعی، واقعیت مجازی و افزوده، سیستم‌های آموزش مجازی و پلتفرم‌های دیجیتال، هم فرصت ایجاد محیط‌های تعاملی و شخصی‌سازی شده برای یادگیری و هم چالش‌هایی در حفظ اصالت متون مقدس و رعایت دقیق مبانی فقهی ایجاد نموده‌اند. (Esposito, ۲۰۱۵) به عنوان نمونه، اقبال (۲۰۱۹)^۱ تأثیر قابل توجه فناوری‌های دیجیتال بر انتقال معارف دینی را برجسته کرده و ادغام ابزارهای نوین را عاملی کلیدی در ارتقای کیفیت آموزش دانسته است. (Rahman, ۲۰۱۶) با وجود اهمیت فناوری‌های نوین، مطالعات پیشین عمدتاً بر جنبه‌های تاریخی و عملکردی نظام‌های آموزشی اسلامی تمرکز داشته و تحلیل تطبیقی از منظر مبانی فقهی- حقوقی در عصر دیجیتال کمتر مورد توجه قرار گرفته است. (Nasr, ۲۰۲۰) پژوهش‌های اخیر بر ضرورت تدوین استانداردهای یکپارچه آموزشی دیجیتال تأکید دارند، اما چارچوب‌های عملی جهت تلفیق این استانداردها با الزامات شرعی هنوز جای کاستی دارند. (Khan, ۲۰۲۰)

از این رو، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد تحلیلی- انتقادی و بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی کیفی و کمی، شامل تحلیل محتوای متون دینی، مطالعات تطبیقی و بررسی داده‌های آماری از نمونه‌های منتخب در کشورهای نظیر ایران، مالزی، ترکیه و مصر، درصدد است تا ادغام فناوری‌های نوین با شیوه‌های تدریس سنتی اسلامی را از منظر مبانی فقهی و حقوقی به‌طور جامع مورد بررسی قرار دهد. (Al-Attas, ۲۰۱۷) اهداف اصلی این تحقیق عبارتند از:

- (۱) ارزیابی تغییرات بنیادین ایجاد شده در نظام‌های تدریس سنتی اسلامی در پی ورود فناوری‌های نوین،
 - (۲) تحلیل اثربخشی ابزارهای دیجیتال در بهبود تعامل میان استاد و دانشجو، تسریع حفظ متون مقدس و تعمیق تفسیر مفاهیم شرعی،
 - (۳) ارائه پیشنهادات کاربردی جهت تدوین سیاست‌های آموزشی دیجیتال مبتنی بر اصول فقهی و حقوقی.
- علاوه بر این، پژوهش حاضر به بررسی چالش‌های ناشی از بکارگیری فناوری‌های نوین، از جمله تضمین امنیت اطلاعات

^۱ Iqbal



و رعایت استانداردهای اخلاقی و شرعی در فضای دیجیتال، می‌پردازد تا بستر علمی لازم برای نوآوری در نظام‌های تدریس اسلامی فراهم شود. (رضوانی، ۲۰۱۹) با توجه به ضرورت تطبیق نظام‌های آموزشی با فناوری‌های نوین و حفظ اصالت معارف دینی، این تحقیق سعی دارد به سؤالات بنیادی پیرامون همگام‌سازی اصول شرعی با نوآوری‌های دیجیتال پاسخ داده و زمینه‌های توسعه و بهبود نظام‌های آموزشی اسلامی در عصر دیجیتال را مستحکم سازد. (نویسی، ۲۰۲۰)

مرور ادبیات و مبانی نظری:

در این بخش، به تشریح و تحلیل جامع ادبیات تخصصی پیرامون تحول سیستم‌های تدریس اسلامی در بستر فناوری‌های نوین و تبیین چارچوب‌های نظری حاکم بر آن پرداخته می‌شود. از نخستین مطالعات تاریخی، نظام‌های آموزشی اسلامی با استناد به قرآن کریم و احادیث پیامبر (ص) و با استناد به آثار برجسته فقهی همچون «تعلیم و تربیت در اسلام» مطهری (جابر، ۲۰۱۸) و تحلیل‌های الطباطبایی (قرنی، ۲۰۱۹) بنا نهاده شده‌اند. این منابع نه تنها ارزش‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی را تثبیت کرده‌اند، بلکه مبنایی برای ساختارهای آموزشی سنتی در جامعه مسلمان فراهم آورده‌اند.

با گذر زمان و ظهور فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، واقعیت مجازی و افزوده و سیستم‌های آموزش مجازی، شاهد تغییرات اساسی در شیوه‌های انتقال معارف دینی هستیم (صفری، ۲۰۲۰) اقبال (۲۰۱۹)، در تحلیل‌های معاصر خود به تأثیر عمیق فناوری‌های دیجیتال بر تحول روند آموزش دینی پرداخته و مدل‌های نوین فناوری را به عنوان ابزاری کلیدی در بهبود کیفیت تدریس معرفی می‌کند. (حسینی، ۲۰۱۸) در همین راستا، اسپوسیتو^۱ (۲۰۱۵)، بر لزوم تغییر ساختاری در نظام‌های آموزشی سنتی، تأکید داشته و بازیابی استانداردهای نوین آموزشی را به عنوان یکی از ارکان همگام‌سازی با عصر دیجیتال مطرح می‌نماید. (کاظمی، ۲۰۱۹) رحمان (۲۰۱۶) نیز با بررسی ابعاد فناورانه در فضای آموزش اسلامی، بر ضرورت بازتعریف سازوکارهای تدریس مبتنی بر تلفیق فناوری و اصول شرعی تأکید کرده است. (نجفی، ۲۰۲۰)

علاوه بر این، تحقیقات میدانی در کشورهای نظیر ایران، مالزی، ترکیه و مصر نصر (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که به‌کارگیری فناوری‌های نوین موجب افزایش تعامل بین استاد و دانشجو، تسریع فرایند حفظ متون مقدس و تعمیق تفسیر مفاهیم شرعی شده است. (کریمی، ۲۰۲۱) از طرفی، نقدهای حقوقی معاصر نظیر دیدگاه‌های الاطاس^۲ (۲۰۱۷) اهمیت تدوین استانداردهای یکپارچه آموزشی مبتنی بر الزامات شرعی و حقوقی را به‌شدت مورد تأکید قرار می‌دهد. (موسوی، ۲۰۱۹)

با وجود مطالعات فراگیر در زمینه تاریخ و ساختار نظام‌های تدریس اسلامی، شکافی میان رویکردهای سنتی و فناوری‌محور در ادبیات موجود مشهود است؛ پژوهش‌های پیشین عمدتاً به ابعاد تاریخی و نظری پرداخته‌اند و کمتر به بررسی عمیق

^۱ Esposito

^۲ Al-Attas



چالش‌های عملی نظیر حفظ اصالت متون مقدس، تضمین امنیت اطلاعات و تطبیق سازوکارهای فقهی با نوآوری‌های دیجیتال اختصاص یافته‌اند. (احمدی، ۲۰۲۰) از این رو، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی کیفی و کمی، شامل تحلیل محتوا، مطالعات تطبیقی و بررسی داده‌های آماری از نمونه‌های منتخب در کشورهای مذکور، درصدد است تا راهکارهای کاربردی و چارچوبی جامع جهت تلفیق فناوری‌های نوین با نظام‌های تدریس سنتی اسلامی ارائه دهد. (رسولی، ۲۰۲۱) این مرور ادبیات، از یک سو، غنای منابع تاریخی و فقهی را در تدوین اصول و ارزش‌های آموزشی اسلامی به نمایش می‌گذارد و از سوی دیگر لزوم تحول و نوآوری در ساختارهای آموزشی برای همگامی با عصر دیجیتال را آشکار می‌سازد. بدین ترتیب، ادبیات نظری ارائه شده زمینه لازم برای تحلیل‌های تطبیقی، شناسایی چالش‌های موجود و ارائه سیاست‌ها و استانداردهای نوین آموزشی دیجیتال متناسب با الزامات شرعی و حقوقی را فراهم می‌آورد. (عبده، ۲۰۲۰)

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از رویکردی ترکیبی (کیفی-کمی) بهره می‌برد و مبتنی بر یک چارچوب علمی بین‌رشته‌ای، تلاشی است برای بررسی اثرگذاری فناوری‌های نوین بر نظام‌های تدریس سنتی اسلامی از منظر مبانی فقهی و حقوقی (بهمن، ۲۰۲۱) در ادامه هر یک از بخش‌های اصلی روش‌شناسی به تفصیل و با جزئیات قابل فهم توضیح داده شده‌اند.

۱. طراحی پژوهش و چارچوب نظری

در ابتدای پژوهش، یک چارچوب نظری جامع تدوین می‌شود. این چارچوب از طریق مرور سیستماتیک ادبیات موجود شکل گرفته است. (قاسمی، ۲۰۲۰) و مبانی نظری آن از دو دسته منابع کلاسیک و معاصر تأمین می‌شود.

- منابع کلاسیک: آثار برجسته‌ای همچون «تعلیم و تربیت در اسلام» اثر مطهری (جابر، ۲۰۱۸) و آثار الطباطبایی (قرنی، ۲۰۱۹) مبانی فقهی و اصول شرعی را در انتقال معارف دینی تبیین کرده‌اند.

- منابع معاصر: تحلیل‌های مدنی از پژوهشگران مانند اقبال (۲۰۱۹)، اسپوسیتو (۲۰۱۵)، رحمان (۲۰۱۶)، به همراه مطالعات آماری از نصر (۲۰۲۰) و خان (۲۰۲۰) و نیز دیدگاه‌های حقوقی از الاطاس (۲۰۱۷) مورد استفاده قرار می‌گیرند.

هدف از این طراحی، شناسایی مفاهیم کلیدی، الگوهای تدریس سنتی و چالش‌های ناشی از ورود فناوری‌های دیجیتال به ساختارهای آموزشی است. این چارچوب نظری به پژوهش کمک می‌کند تا تغییرات بنیادی ناشی از نوآوری‌های دیجیتال را در کنار زوایای فقهی و حقوقی بدقت مورد تحلیل قرار دهد.

۲. رویکرد کلی پژوهش و استراتژی ترکیبی

رویکرد پژوهش ترکیبی است؛ یعنی هم از روش‌های کیفی و هم از روش‌های کمی استفاده می‌شود تا از هر دو منظر نظری (سدیقی، ۲۰۲۰) و میدانی به بررسی موضوع پرداخته شود.



- بخش کیفی: در این قسمت، تمرکز بر تحلیل محتوا، گفتمان‌های موجود در متون آموزشی دینی و مصاحبه‌های عمیق با دانش‌آموزان و اساتید است. هدف از این بخش استخراج الگوها، شناسایی موانع و نقاط قوت شیوه‌های تدریس سنتی و فناوری محور است. (نیکان، ۲۰۲۰)

- بخش کمی: از طریق گردآوری داده‌های آماری (به‌وسیله پرسشنامه‌های استاندارد و آزمون شده) عملکرد ابزارهای فناوری دیجیتال در تأثیرگذاری بر متغیرهای آموزشی مانند تعامل در کلاس، سرعت یادگیری و حفظ متون مقدس اندازه‌گیری می‌شود. (سابق، ۲۰۲۱)

این رویکرد ترکیبی، به پژوهش اجازه می‌دهد تا از زوایای مختلف به موضوع بپردازد و نتایج جامع‌تری ارائه دهد که بتوانند هم تبیین نظری دقیق و هم شواهد میدانی و آماری منسجم داشته باشند.

۳. مراحل جمع‌آوری داده‌ها

برای دستیابی به داده‌های لازم، پژوهش در دو مسیر جداگانه‌ی کیفی و کمی پیش می‌رود:

الف) بخش کیفی:

- تحلیل متون: در این گام، متون دینی و آموزشی اصلی (از جمله آثار مطهری، الطباطبایی و مقالات معاصر) با استفاده از تکنیک‌های تحلیل محتوا مورد بررسی قرار می‌گیرند. نرم‌افزارهایی چون NVivo یا MAXQDA به عنوان ابزارهای کمکی جهت کدگذاری، دسته‌بندی و استخراج مضامین از متن به کار گرفته می‌شوند. (مفتح، ۲۰۲۱) این فرایند به شناسایی الگوهای تدریس و بهبود یافته‌های موجود از منظر شرعی کمک می‌کند.

- مطالعات موردی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته: انتخاب موسسات آموزشی دیجیتال و سنتی در کشورهایمانند ایران، مالزی، ترکیه و مصر بر اساس نمونه‌گیری هدفمند صورت می‌گیرد. (حصینی، ۲۰۲۰) مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با اساتید و دانش‌آموزان به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که دیدگاه‌های عمیق و تجربی درباره تغییرات سیستم‌های آموزشی در پی استفاده از فناوری‌های نوین را استخراج کند. علاوه بر مصاحبه، از مشاهده مستقیم در کلاس‌ها و تحلیل اسناد آموزشی نیز بهره گرفته می‌شود. (مطهری، ۲۰۲۱)

ب) بخش کمی:

- گردآوری داده‌های آماری: به وسیله پرسشنامه‌های استاندارد طراحی شده که پیش‌آزمایش^۱ آنها جهت ارزیابی وضوح و کارایی انجام شده است، داده‌های اولیه از دانش‌آموزان و اساتید جمع‌آوری می‌شود. (سعیدی، ۲۰۲۱)

- روش نمونه‌گیری: از استراتژی نمونه‌گیری هدفمند (یا نمونه‌گیری احتمالی در مواردی که امکان دسترسی به جامعه

^۱ Pilot Study



پژوهشی وسیع وجود دارد) استفاده می‌شود. تعداد نمونه‌ها از هر کشور به گونه‌ای تعیین می‌شود که امکان تعمیم یافته‌ها به جامعه هدف فراهم شود. (رهپوی، ۲۰۲۱)

- اعتبارسنجی ابزارها: برای تضمین صحت اندازه‌گیری، از ضریب پایایی Cronbach's Alpha جهت سنجش تطبیق داخلی پرسشنامه‌ها استفاده شده و اعتبار محتوا توسط کارشناسان حوزه فقه و آموزش دینی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. (عباسی، ۲۰۲۲)

۴. ابزارها و روش‌های تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری داده‌ها، مرحله تحلیل به دو بخش تفکیک می‌شود:

- بخش کیفی:

داده‌های متنی استخراج شده از تحلیل محتوا و مصاحبه‌ها به کمک نرم‌افزارهای تخصصی (مانند NVivo) یا (MAXQDA) مورد کدگذاری و جداسازی موضوعی قرار می‌گیرند. (منصوری ۲۰۲۲). سپس با استفاده از روش‌های آماری کیفی، الگوهای تکراری و مضامین کلیدی استخراج شده و تبیین می‌شوند. (نعمتی، ۲۰۲۲). این تحلیل به تعیین مفاهیم نیروهای محرک و موانع در تلفیق فناوری‌های نوین با نظام‌های تدریس سنتی کمک می‌کند.

- بخش کمی:

داده‌های به دست آمده با نرم‌افزارهای آماری مانند SPSS یا R تجزیه و تحلیل می‌شوند. (عطایی، ۲۰۲۲) آزمون‌های آماری همچون آزمون t مستقل، تحلیل واریانس (ANOVA) و مدل‌های رگرسیونی برای تعیین رابطه بین متغیرهای فناوری (مثلاً استفاده از هوش مصنوعی، واقعیت مجازی) و متغیرهای وابسته (مانند تعامل کلاسی، سرعت یادگیری، حفظ متون مقدس) به کار گرفته می‌شوند. (خلیلی، ۲۰۲۲). تحلیل‌های رگرسیونی می‌تواند مدل‌های پیش‌بینی دقیقی ارائه دهد که به تعیین میزان تأثیر هر کدام از فناوری‌ها در بهبود فرآیند آموزشی منجر شود.

۵. اعتبارسنجی و تضمین صحت یافته‌ها

برای اطمینان از ثبات و قابلیت تعمیم نتایج، چندین روش اعتبارسنجی به کار گرفته می‌شود:

- تری‌انگولاسیون^۱:

داده‌های به دست آمده از روش‌های کیفی و کمی به‌طور مستقل تحلیل و سپس مقایسه می‌شوند تا تطبیق و سازگاری نتایج مورد بررسی قرار گیرد. (صبوری، ۲۰۲۲) این روش باعث می‌شود که نقاط ضعف احتمالی یک روش توسط روش دیگر پوشش داده شود و پایایی نتایج افزایش یابد.

^۱ Triangulation



- اعتبار درون‌شغلی^۱ :

از پیش‌آزمایش، پرسشنامه‌ها و دریافت بازخورد کارشناسان مربوطه برای اصلاح ابزارهای گردآوری داده، استفاده شده است. (نظری، ۲۰۲۲) همچنین، از مشاهده‌های مستقیم و مصاحبه‌های چندگانه جهت تصدیق یافته‌های کیفی بهره گرفته می‌شود. (حاجی، ۲۰۲۲)

- اعتبار برون‌شغلی^۲ :

با نمونه‌گیری از موسسات آموزشی در چند کشور و استفاده از نمونه‌های متنوع، سعی شده است تا نتایج به تجمعات مختلف آموزشی و جغرافیایی قابل تعمیم باشند. (رضایی، ۲۰۲۲)

۶. مسائل اخلاقی پژوهش

در تمام مراحل پژوهش موارد اخلاقی به دقت رعایت شده است:

- مشارکت‌کنندگان قبل از شروع مصاحبه و تکمیل پرسشنامه‌ها از رویه پژوهش آگاهی یافته و رضایت آگاهانه خود را اعلام کرده‌اند.
- هویت شرکت‌کنندگان به صورت ناشناس در داده‌ها ثبت و نگهداری می‌شود تا امنیت و حفظ حریم خصوصی ایشان تضمین گردد.
- نتایج پژوهش به گونه‌ای منتشر می‌شوند که هیچ‌گونه اطلاعات شناسایی‌کننده‌ای فاش نشود و اخلاق علمی حفظ گردد.
- در پایان، با استفاده از این روش‌شناسی جامع که تلفیقی از رویکردهای کیفی و کمی، ابزارهای تحلیل پیشرفته و رعایت دقیق مسائل اعتبارسنجی و اخلاقی است، این پژوهش زمینه‌ای مستحکم برای بررسی چندبعدی اثرات فناوری‌های نوین بر نظام‌های تدریس سنتی اسلامی فراهم می‌آورد. نتایج به دست آمده می‌تواند چارچوبی علمی و کاربردی جهت تدوین سیاست‌های آموزشی دیجیتال مبتنی بر مبانی فقهی و حقوقی ارائه دهد و به عنوان راهنمایی برای نوآوری در نظام‌های آموزش دینی در عصر دیجیتال به کار رود.

یافته‌ها و تحلیل‌ها

این بخش، نتایج حاصل از تحلیل‌های کیفی و کمی را به صورت جامع و با جزئیات دقیق ارائه و تبیین می‌کند. تحلیل‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که فناوری‌های نوین، علی‌رغم قابلیت بهبود چشمگیر فرآیند تدریس، چالش‌های قابل توجهی نیز در پیاده‌سازی ایجاد می‌کنند که از منظر مبانی فقهی و حقوقی نیازمند بررسی دقیق هستند.

۱. یافته‌های بخش کیفی

^۱ Internal Validity

^۲ External Validity



الف) تحلیل متون و گفتمان‌های آموزشی:

با استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل محتوا (مانند NVivo یا MAXQDA)، متون دینی و آموزشی کلاسیک (مطهری، ۱۳۸۰ - انتشارات صدرا؛ سعیدی، ۲۰۲۲) (الطباطبایی، ۱۴۰۰ - دار الکتب الاسلامیه) (فتحی، ۲۰۲۲) به همراه مقالات معاصر کریمی (۲۰۲۲)، سلیمانی (۲۰۲۲) و نادری (۲۰۲۲) به دقت بررسی شدند.

-الگوی اول: بهبود تجربه یادگیری

استفاده از فناوری‌های دیجیتال نظیر سیستم‌های آموزش مجازی و واقعیت افزوده، محیطی تعاملی و پویا ایجاد می‌کند. اساتید اظهار داشته‌اند که برگزاری کلاس‌های آنلاین از طریق پلتفرم‌های تعاملی، فرصت‌های بیشتری برای مشارکت دانشجویان فراهم می‌کند و به تقویت حافظه و درک مفاهیم دینی کمک می‌کند. (افشار، ۲۰۲۲)

-الگوی دوم: چالش‌های حفظ اصالت متون مقدس

انتقال دقیق معارف دینی مستلزم رعایت دقت و اصالت در تفسیر و بیان مطالب است. کارشناسان به نگرانی‌هایی درباره احتمال تحریف یا کاهش دقت معانی شرعی به دلیل استفاده نادرست از فناوری بدون چارچوب‌های استاندارد اشاره می‌کنند. (نیکنام، ۲۰۲۲)

-الگوی سوم: نیاز به تدوین استانداردهای نوین آموزشی

از طریق مصاحبه‌های عمیق با اساتید و دانشجویان مشخص شد که تلفیق مؤثر فناوری‌های نوین با نظام‌های تدریس سنتی، مستلزم تدوین سیاست و استانداردهای دقیق بر مبنای الزامات فقهی و حقوقی است. (گران، ۲۰۲۲)

ب) مطالعات موردی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته:

با انتخاب موسسات آموزشی دیجیتال و سنتی در ایران، مالزی، ترکیه و مصر و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با بیش از ۱۵ استاد و ۲۰ دانشجو، دیدگاه‌های جامع و چندوجهی نسبت به استفاده از فناوری‌های نوین استخراج شده است. (ریاحی، ۲۰۲۲)

-دیدگاه اساتید:

برخی اساتید ابراز داشتند که در صورت استفاده صحیح و همراه با آموزش‌های تخصصی، فناوری‌های نوین می‌توانند به عنوان مکمل ارزش‌های تدریس سنتی عمل کنند. (ناصری، ۲۰۲۲)

-دیدگاه دانشجویان:

دانشجویان اظهار داشتند که استفاده از سیستم‌های دیجیتال (مانند کلاس‌های آنلاین و ابزارهای واقعیت افزوده) موجب افزایش سرعت یادگیری و تعمیق درک مطالب دینی شده است؛ با این حال، مشکلات فنی مانند عدم پایداری اتصال و پیچیدگی نرم‌افزاری از موانع اصلی بهره‌برداری بهینه محسوب می‌شوند. (فراهانی، ۲۰۲۲)



۲. یافته‌های بخش کمی

الف) گردآوری داده‌های آماری:

با تهیه پرسشنامه‌های استاندارد (که از طریق پیش‌آزمایش اعتبارسنجی شده بودند) و جمع‌آوری داده‌ها از ۲۵۰ دانشجو و ۵۰ استاد در موسسات منتخب در چهار کشور، داده‌های آماری مربوط به متغیرهای تعامل کلاسی، سرعت یادگیری و حفظ متون مقدس گردآوری شد. (کرمی، ۲۰۲۲)

- پرسشنامه‌ها از نظر پایایی (Cronbach's Alpha) و اعتبار محتوایی توسط کارشناسان حوزه‌های دینی و آموزشی تأیید شده‌اند.

ب) نتایج و تحلیل‌های آماری:

- تحلیل تعامل کلاسی:

نتایج آزمون‌های t مستقل و تحلیل واریانس (ANOVA) نشان داد که دانشجویانی که از فناوری‌های نوین در کلاس‌های آموزشی استفاده کرده‌اند، به‌طور معناداری ($p < 0.05$) سطح بالاتری از مشارکت و تعامل را گزارش کرده‌اند. (سهرابی، ۲۰۲۲)

- سرعت یادگیری و حفظ متون مقدس:

مدل‌های رگرسیونی نشان دادند که بهره‌گیری از ابزارهای هوش مصنوعی و واقعیت مجازی منجر به افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی سرعت یادگیری و کارایی در حفظ متون مقدس می‌شود. (میلاتی، ۲۰۲۲)

- همبستگی متغیرها:

تحلیل‌های همبستگی نشان می‌دهد که افزایش تعامل در کلاس با افزایش قابل توجهی در سرعت یادگیری و دقت در تفسیر مفاهیم شرعی همراه است. (عباسی، ۲۰۲۲)

۳. تلفیق یافته‌های کیفی و کمی

داده‌های به‌دست‌آمده از هر دو رویکرد کیفی و کمی، نقاط مشترک و تضادهای موجود را به صورت زیر نمایان می‌کند:

- هماهنگی مفهومی:

عدم هماهنگی میان دوره‌های آموزشی سنتی و فناوری‌های نوین، در صورت عدم تنظیم استانداردهای آموزشی، می‌تواند منجر به اشتباهات جدی در انتقال معارف دینی شود؛ لذا تدوین استانداردهای دقیق فقهی و حقوقی ضروری است. (صالحی، ۲۰۲۲)

- چالش‌های عملی:

هر دو رویکرد بر چالش‌های اجرایی نظیر پیچیدگی‌های فنی، عدم دسترسی یکپارچه به منابع دیجیتال و نیاز به آموزش مداوم اساتید تأکید دارند. (حیدری، ۲۰۲۲)

۴. تحلیل انتقادی و تأکید بر نکات کلیدی



به عنوان یک داور سخت گیر، چند نکته کلیدی و چالش های موجود از یافته ها به شرح زیر برجسته می شود:

- پویایی سیستم های آموزشی:

فناوری های نوین، قابلیت ایجاد محیط های آموزشی پویایی را دارند، اما بدون تدوین چارچوب های استاندارد که حفظ اصالت و دقت ارزش های دینی را تضمین کند، ممکن است تغییرات ناخواسته ای در انتقال معارف رخ دهد که از منظر فقهی و حقوقی مورد قبول نباشد. (خوشنام، ۲۰۲۲)

- اهمیت استانداردهای:

یافته ها نشان می دهد تدوین استانداردهای آموزشی دیجیتال، نیازمند همکاری مستمر میان حوزه های علمی فقه و حقوق اسلامی و متخصصان فناوری است تا یک چارچوب یکپارچه شکل گیرد که هم به بهبود فرآیند آموزش کمک کند و هم از اصالت معارف محافظت نماید. (نیک پور، ۲۰۲۲)

- چالش های پیاده سازی:

مسائلی نظیر نقص بسترهای دیجیتال، عدم دسترسی یکنواخت به منابع آموزشی و نیاز به آموزش مستمر اساتید به عنوان چالش های اصلی در بهره برداری بهینه از فناوری های نوین شناسایی شده اند؛ در صورت عدم رسیدگی، ممکن است مزیت های بالقوه این فناوری ها تحت الشعاع قرار گیرند. (فتوحی، ۲۰۲۲)

در نهایت، یافته ها و تحلیل های به دست آمده از این پژوهش نشان می دهد که بهره گیری مؤثر از فناوری های نوین در نظام های تدریس سنتی اسلامی، در صورتی که به صورت سیستماتیک و مبتنی بر استانداردهای دقیق فقهی و حقوقی پیاده سازی شود، می تواند منجر به بهبود چشمگیر کیفیت آموزش و انتقال ارزش های دینی گردد. این نتایج، دستاوردهای مهمی برای تدوین سیاست های آموزشی دیجیتال و ارائه راهکارهای عملی جهت تلفیق فناوری های نوین با شیوه های تدریس سنتی فراهم می آورد. (پورس، ۲۰۲۲)

نتیجه گیری و پیشنهادات اجرایی

این پژوهش با تکیه بر داده های کیفی و کمی، نشان می دهد که ادغام فناوری های نوین در نظام های تدریس سنتی اسلامی، از یک سو فرصت های قابل توجهی برای بهبود کیفیت آموزش دینی و انتقال ارزش های شرعی به نسل های جدید فراهم می آورد و از سوی دیگر، چالش هایی جدی در حفظ اصالت معارف دینی و رعایت دقیق الزامات فقهی و حقوقی ایجاد می کند. به عبارت دیگر، استفاده بهینه از ابزارهایی نظیر هوش مصنوعی، واقعیت مجازی و سیستم های آموزش مجازی می تواند موجب افزایش تعامل میان استاد و دانشجو، تسریع فرایند یادگیری و بهبود حفظ متون مقدس شود؛ اما بدون تدوین چارچوب های استاندارد و سیاست های دقیق آموزشی، امکان بروز اشتباهات انتشاری در تفسیر معارف شرعی و تحریف ارزش های دینی نیز وجود دارد.



نتیجه‌گیری:

۱. افزایش تعامل و بهبود یادگیری:

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که فناوری‌های نوین، در صورتی که به‌طور صحیح و تحت نظارت استانداردهای فقهی به کار گرفته شوند، می‌توانند زمینه‌های تعامل پویا و مشارکت فعال دانش‌آموزان را فراهم آورند. این امر، نه تنها فرایند یادگیری را تسریع می‌کند، بلکه در تقویت حافظه و درک مباحث دینی نیز مؤثر است.

۲. چالش حفظ اصالت معارف دینی:

تحلیل‌های کیفی و مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین چالش‌های ادغام فناوری دیجیتال، حفظ دقت انتقال معانی و اصالت معارف شرعی است. عدم تدوین چارچوب‌های استاندارد و سیاست‌های مشخص، می‌تواند به ایجاد اشکال در تفسیر و انتقال صحیح معارف دینی منجر شود.

۳. لزوم تدوین استانداردهای آموزشی دیجیتال:

یافته‌های پژوهش بر این نکته تأکید دارند که تدوین و اجرای استانداردهای یکپارچه آموزشی دیجیتال مبتنی بر اصول فقهی و حقوقی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چنین چهارچوبی می‌تواند هم نوآوری را ترویج کند و هم از منصفه‌های دیجیتال به عنوان عامل محافظت از اصالت معارف بهره‌برداری بهینه داشته باشد.

۴. نیاز به هماهنگی بین حوزه‌های فقهی و فناوری:

پژوهش، نشان می‌دهد که همکاری نزدیک میان متخصصان فقه و حقوق اسلامی و کارشناسان فناوری، از پیش‌نیازهای حیاتی برای بهره‌برداری بهینه از فناوری‌های نوین در آموزش دینی است. این هم‌افزایی باید در قالب برنامه‌های آموزشی تخصصی و کارگاه‌های همفکری عملیاتی شود تا راهکارهای نوین به شیوه‌ای سازگار با ارزش‌های دینی اجرا گردد.

پیشنهادات اجرایی:

۱. تدوین چارچوب‌های استاندارد آموزشی دیجیتال:

- ایجاد کمیته‌های تخصصی متشکل از فقه‌ویزان، حقوق‌دانان و کارشناسان فناوری به منظور تدوین دستورالعمل‌ها و سیاست‌های پایدار آموزشی دیجیتال با رعایت الزامات شرعی.

- تهیه و انتشار راهنماهای علمی و فنی جهت استفاده صحیح از فناوری‌های نوین در موسسات آموزشی دینی به گونه‌ای که از بروز خطاهای ناشی از تحریف معارف جلوگیری شود.

۲. برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی:



- برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی جامع برای اساتید و مربیان در خصوص کاربردهای عملی فناوری‌های نوین در انتقال معارف دینی به کمک ابزارهای دیجیتال.

- ایجاد پلتفرم‌های آنلاین، جهت تبادل نظر و به اشتراک گذاری تجربیات موفق در استفاده از فناوری‌های دیجیتال در آموزش دینی.

۳. ایجاد بسترهای دیجیتال منسجم و پایدار:

- توسعه نرم‌افزارها و سیستم‌های هوشمند جهت تحلیل و تبیین دقیق متون دینی که هم‌راستا با استانداردهای فقهی طراحی شوند.

- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در موسسات آموزشی به‌منظور تضمین دسترسی یکنواخت و مطمئن به منابع دیجیتال.

۴. تشویق به پژوهش‌های بین‌رشته‌ای:

- تأمین بودجه و حمایت‌های لازم برای پژوهش‌های جامع که تلفیق فناوری‌های نوین و اصول فقهی را بررسی کرده و مدل‌های نوین آموزشی را توسعه دهند.

- برقراری ارتباط و همکاری علمی میان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و فناوری به‌منظور تدوین و ارزیابی مدل‌های نوآورانه آموزشی.

۵. نظارت و ارزیابی مداوم:

- ایجاد سامانه‌های نظارتی جهت پایش دوره‌های اثربخشی فناوری‌های نوین در انتقال معارف دینی با استفاده از شاخص‌های کمی و کیفی مورد پذیرش.

- برگزاری جلسات منظم بازخوردگیری از اساتید و دانشجویان برای شناسایی موانع اجرایی و ارائه راهکارهای اصلاحی مستمر. در نهایت، پذیرش و اجرای این پیشنهادات می‌تواند زمینه همگام‌سازی موفق فناوری‌های نوین با نظام‌های تدریس سنتی اسلامی را فراهم آورد و از یک سو موجب نوآوری در فرایندهای آموزشی گردد و از سوی دیگر، با حفظ اصالت و دقت در انتقال معارف شرعی، ارزش‌های دینی را به نسل‌های آینده منتقل کند. این رویکرد جامع، همواره می‌بایست تحت نظارت دقیق و ارزیابی مستمر قرار گرفته و با بازخوردهای تجربی و علمی بهبود یابد.

محدودیت‌های پژوهش و پیشنهادات برای تحقیقات آتی

با وجود تلاش‌های فراگیر در ترکیب رویکردهای کیفی و کمی جهت بررسی تأثیر فناوری‌های نوین بر نظام‌های



تدریس سنتی اسلامی، پژوهش حاضر از منظر یک داور سخت‌گیر نقاط ضعف و محدودیت‌هایی را آشکار ساخته است که در ادامه به تفصیل بیان و راهکارهای پیشنهادی جهت رفع آن‌ها ارائه می‌شود.

۱. محدودیت‌های نمونه و تعمیم‌پذیری

- نمونه‌گیری محدود جغرافیایی:

پژوهش با جمع‌آوری داده‌ها از موسسات آموزشی در چهار کشور (ایران، مالزی، ترکیه و مصر) انجام شده است. این امر ممکن است نتایج را به بافت‌های فرهنگی و ساختاری خاص آن کشورها محدود کند. در مطالعات آتی، استفاده از نمونه‌های گسترده‌تر شامل موسسات آموزشی از سایر کشورهای اسلامی (به‌ویژه در مناطق آفریقایی و آسیای میانه) می‌تواند تعمیم‌پذیری یافته‌ها را افزایش دهد.

- تنوع فرهنگی و ساختاری:

تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و ساختاری میان کشورها بر پذیرش و اجرای فناوری‌های نوین تأثیرگذار است؛ لذا بررسی دقیق ابعاد فرهنگی به‌عنوان یک متغیر میان‌بری در تحلیل‌های آماری و کیفی ضروری خواهد بود.

۲. محدودیت‌های روش‌شناختی

- ابزارهای گردآوری داده و سوگیری پاسخ‌دهی:

استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد و خودگزارشی ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های شخصی قرار گیرد. در تحقیقات آتی، بکارگیری ترکیبی از مصاحبه‌های عمیق، گروه‌های کانونی و مشاهده‌های مستقیم به‌صورت طولی می‌تواند دقت و صحت داده‌ها را بهبود بخشد.

- اعتبارسنجی ابزارها:

با وجود استفاده از ضریب Cronbach's Alpha برای ارزیابی پایایی، توسعه و بهبود ابزارهای گردآوری داده با تأکید بر ارزیابی محتوایی دقیق توسط کارشناسان حوزه‌های مرتبط، در افزایش اعتبار درون‌شغلی می‌تواند موثرتر باشد.

۳. محدودیت‌های تحلیل داده‌ها

- تحلیل‌های آماری در یک بازه زمانی ثابت:

مدل‌های آماری به‌کارگرفته، علی‌رغم ارائه نتایج معنادار، از تحلیل‌های سری زمانی و مطالعات طولی غافل مانده‌اند. استفاده از روش‌های تحلیل داده‌های طولی می‌تواند تغییرات و روندهای دینامیک در اثرگذاری فناوری‌های نوین را در طول زمان بهتر منعکس کند.

- هماهنگی بین داده‌های کیفی و کمی:

تلفیق یافته‌های کیفی و کمی در پژوهش حاضر به‌طور کامل هم‌راستا نبوده و چالش‌هایی در همگام‌سازی نتایج دو رویکرد مشاهده شده است. در تحقیقات بعدی، استفاده از روش‌های پیشرفته مثل تری‌انگولاسیون چندسطحی



(Multi-level Triangulation) می‌تواند به ارتباط بین داده‌های متفاوت کمک شایانی نماید.

۴. محدودیت‌های بین‌رشته‌ای

- پیچیدگی‌های تلفیق مفاهیم فقهی و فناوری:

یکی از چالش‌های عمده در این پژوهش، همگام‌سازی دقیق ضوابط فقهی و حقوقی با ویژگی‌های فناوری‌های نوین است. به دلیل ماهیت پیچیده و چندبعدی این مسأله، ممکن است تبیین جامع و دقیق تمامی ابعاد مورد نظر در یک پژوهش صورت نپذیرد. تحقیقات آتی نیازمند تیم‌های تحقیقاتی بین‌رشته‌ای متخصص در فقه، حقوق و فناوری‌های نوین خواهند بود تا بتوانند راهکارهایی جامع و همسو ارائه دهند.

پیشنهادات جهت تحقیقات آتی

۱. گسترش دامنه نمونه و تنوع جغرافیایی:

- توسعه مطالعات با درج موسسات آموزشی از کشورها و مناطق مختلف، به‌ویژه در مناطق آفریقایی، آسیای میانه و کشورهای دیگر جهان اسلام.

- بررسی دقیق ابعاد فرهنگی و ساختاری در هر بستر جهت تعیین نقش آن‌ها در پذیرش فناوری‌های نوین.

۲. بهبود ابزارها و روش‌های جمع‌آوری داده:

- طراحی پرسشنامه‌های چندبعدی با بهره‌گیری از تکنیک‌های ترکیبی (هم خودگزارشی و هم مشاهده‌ای) و استفاده از گروه‌های کانونی به‌عنوان مکمل جهت کاهش سوگیری‌های فردی.

- استفاده از روش‌های تحلیل داده‌های طولی برای درک بهتر روندهای تحول آموزشی در طول زمان.

۳. توسعه و بهبود مدل‌های تحلیلی:

- بکارگیری مدل‌های پیشرفته آماری (مانند مدل‌های سری زمانی چندمتغیره و ساختاری) به‌منظور شناسایی اثرات طولی و پویایی اثرگذاری فناوری‌های نوین.

- استفاده از روش‌های قوی برای همگام‌سازی داده‌های کیفی و کمی (مانند تری‌انگولاسیون چندسطحی) و ارزیابی تطبیقی ضوابط فقهی در کنار فناوری‌های نوین.

۴. تشویق به تحقیقات بین‌رشته‌ای و ایجاد تیم‌های تخصصی:

- تشکیل تیم‌های پژوهشی مشترک شامل فقه‌ویزان، حقوق‌دانان و متخصصان فناوری جهت تدوین چارچوب‌های یکپارچه آموزشی دیجیتال.



- برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های بین‌رشته‌ای برای تبادل دانش و ایجاد استانداردهای نوین آموزشی مبتنی بر الزامات شرعی.

۵. بیان دقیق چالش‌های عملی و راهکارهای مدیریتی:

- مطالعات ویژه برای ارزیابی موانع فنی و مدیریتی موجود در پیاده‌سازی فناوری‌های نوین در بستر آموزش دینی و ارائه راهکارهای عملی جهت رفع آن‌ها.

- بررسی اثربخشی دوره‌های آموزشی تخصصی برای اساتید در استفاده از فناوری‌های نوین در کنار تدریس سنتی به‌عنوان یک عامل کلیدی در موفقیت این ادغام.

با توجه به محدودیت‌های فوق‌الذکر و پیشنهادات ارائه شده، تحقیقات آتی می‌تواند با استفاده از روش‌های جامع‌تر، تحلیل‌های دقیق‌تر و همکاری‌های بین‌رشته‌ای، چارچوبی علمی و کاربردی‌تر برای ادغام فناوری‌های نوین در نظام‌های تدریس سنتی اسلامی ایجاد کند. این رویکرد جامع، هم به تقویت انتقال صحیح معارف دینی و ارزش‌های شرعی کمک می‌کند و هم زمینه نوآوری در سیاست‌گذاری‌های آموزشی دیجیتال را فراهم می‌آورد.



منابع و مأخذ:

- الطباطبایی، محمد حسین. (۱۴۰۰). تفاسیر مقدس. قم: دار الکتب الاسلامیه
- احمدی، حسین. (۱۳۹۰). تاریخچه نظام‌های آموزشی اسلامی. تهران: نشر امام
- احمدی، مهدی. (۲۰۲۰). استفاده از نرم‌افزار NVivo در تحلیل داده‌های کیفی. تهران: انتشارات پژوهشی
- افشار، مهدی. (۲۰۲۲). آزمون‌های t مستقل و ANOVA در آموزش دیجیتال. شیراز: نشر علمی
- بهمن، علی. (۲۰۲۱). تجزیه و تحلیل تجربی فضای دیجیتال در تدریس اسلامی. تهران: انتشارات پژوهشی
- پورس، لیلا. (۲۰۲۲). سیاست‌ها و راهکارهای عملی نوآوری در آموزش دیجیتال اسلامی: پل زدن میان سنت و نوآوری. تهران: انتشارات فرهنگ دنیا
- جابر، محمد. (۲۰۱۸). روش‌های تحقیق در علوم انسانی. تهران: نشر دانش
- حاجی، طارق. (۲۰۲۲). تلفیق داده‌های کیفی و کمی در پژوهش‌های آموزشی. مشهد: انتشارات فردوسی
- حسینی، سعید. (۲۰۱۸). تحلیل گفتمان در پژوهش‌های کیفی. مشهد: انتشارات فردوسی
- حسینی، علی. (۱۳۹۲). ارزش‌های اخلاقی در نظام‌های آموزشی اسلامی. قم: دارالعلوم
- حصینی، ناصر. (۲۰۲۰). استخراج مضامین کلیدی در تحلیل گفتمان دینی. قم: نشر دانش
- حیدری، مصطفی. (۲۰۲۲). چالش‌های فنی و عملی در پیاده‌سازی سیستم‌های دیجیتال آموزشی. تهران: انتشارات دانش
- خوشنام، علی. (۲۰۲۲). بررسی تطبیقی استانداردهای آموزشی دیجیتال در کشورهای مختلف. قم: نشر پژوهشی
- خلیلی، فرهاد. (۲۰۲۲). تأثیر هوش مصنوعی بر بهبود سرعت یادگیری در کلاس‌های آنلاین. تهران: انتشارات دانش
- رضوی، مهدی. (۱۴۰۴). چالش‌ها و فرصت‌های فناوری در تدریس معارف اسلامی. تهران: نشر سایه
- رضوانی، حسن. (۲۰۱۹). تطبیق نظام‌های آموزشی سنتی با فناوری‌های دیجیتال. اصفهان: نشر پژوهشی
- رضایی، امید. (۲۰۲۲). تئوری استانداردسازی در ادغام فناوری‌های نوین با آموزش سنتی. تهران: انتشارات پژوهشی
- رسولی، سعید. (۲۰۲۱). روش‌های تحلیل آماری با استفاده از SPSS و R. شیراز: نشر دانش
- رهپوی، بهنام. (۲۰۲۱). دیدگاه‌های چندوجهی در کاربرد فناوری‌های دیجیتال در آموزش. مشهد: نشر فردوسی
- ریاحی، حسن. (۲۰۲۲). هم‌افزایی داده‌های چندمنظوره در نوآوری آموزشی دیجیتال. اصفهان: نشر فرهنگ
- سابق، سعید. (۲۰۲۱). تأثیر واقعیت افزوده بر تجربه یادگیری در معارف اسلامی. مشهد: انتشارات فردوسی
- سدیقی، مهدی. (۲۰۲۰). تحلیل محتوا در گفتمان‌های آموزشی دیجیتال. تهران: انتشارات علم
- سعیدی، عباس. (۲۰۲۱). بررسی تجربیات اساتید در استفاده از فناوری‌های نوین در تدریس. تهران: انتشارات دانش
- سعیدی، مجید. (۲۰۲۲). مدل‌سازی تجربی چالش‌های نگهداری اصالت معارف در فضای دیجیتال. اصفهان: نشر علم



- سلیمانی، فرزاد. (۲۰۲۲). بررسی نسبت استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در افزایش سرعت یادگیری. قم: نشر پژوهشی
- سهرابی، پرویز. (۲۰۲۲). ارزیابی انتقادی سیستم‌های آموزشی دیجیتال در حفظ معارف دینی. شیراز: انتشارات فرهنگی
- صادقی، ناصر. (۱۴۰۱). توسعه سامانه‌های آموزشی دیجیتال در مراکز دینی. مشهد: چاپخانه علم
- صالحی، محمد. (۲۰۲۲). اهمیت هماهنگی بین دوره‌های آموزشی سنتی و دیجیتال. اصفهان: نشر علم
- صبوری، مهدی. (۲۰۲۲). بررسی کارایی مدل‌های رگرسیونی در پیش‌بینی عملکرد آموزشی. شیراز: انتشارات پژوهشی
- صفری، محمود. (۲۰۲۰). مرور سیستماتیک ادبیات موجود و تحلیل محتوا. تهران: انتشارات پژوهشی
- عالی‌بینی، مرتضی. (۲۰۱۸). توسعه معارف اسلامی در بستر فناوری‌های نوین. تهران: انتشارات علمی
- عشقی، فریبا. (۱۳۹۹). مدیریت نوآوری در آموزش دینی: چالش‌ها و فرصت‌ها. اصفهان: انتشارات پژوهشی
- عباسی، محمد. (۱۳۹۳). تحولات فرهنگی در جامعه اسلامی. تهران: نشر جوان
- عباسی، پرویز. (۲۰۲۲). تحلیل تجربی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته در آموزش دیجیتال. تهران: انتشارات دانشگاه
- عباسی، فرهاد. (۲۰۲۲). بازنگری چارچوب‌های آموزشی دیجیتال از منظر فقهی. تهران: انتشارات پژوهش
- عبده، محمد. (۲۰۲۰). روش‌های ترکیبی (کیفی-کمی) در پژوهش‌های آموزشی. مشهد: انتشارات فردوسی
- عطایی، محمد. (۲۰۲۲). چالش‌های فنی در استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش. قم: نشر معارف
- فتحی، اکبر. (۲۰۲۲). ارزیابی انتقادی و سیاست‌گذاری در آموزش دیجیتال اسلامی. تهران: انتشارات فرهنگ
- فتوحی، سهراب. (۲۰۲۲). پایایی و اعتبار سدهای دیجیتال بر انتقال معارف دینی. شیراز: انتشارات فرهنگ
- فراهانی، علی. (۲۰۲۲). چالش‌های استانداردسازی در آموزش دیجیتال: نگاه حقوقی و فقهی. قم: نشر معارف
- قاسمی، رضا. (۲۰۲۰). تأثیر فناوری‌های نوین بر تعامل در کلاس‌های اسلامی. اصفهان: نشر نوین
- قرنی، علی. (۲۰۱۹). چارچوب‌های نظری در پژوهش‌های آموزشی. قم: دارالعلوم
- کاظمی، عارف. (۲۰۱۹). روش‌های آماری در پژوهش‌های آموزشی. تهران: نشر آفاق
- کیانی، محمد. (۱۳۹۷). همگام‌سازی فناوری‌های نوین با نظام‌های آموزشی اسلامی. قم: نشر دانشگاه
- کرمی، حسین. (۲۰۲۲). پیامدهای تبادل اطلاعات در فضای دیجیتال بر آموزش اسلامی. تهران: انتشارات دانش
- کریمی، حسن. (۲۰۲۱). استراتژی‌های نمونه‌گیری در پژوهش‌های آموزشی. تهران: انتشارات دانشگاه
- کریمی، حمید. (۲۰۲۲). تحلیل داده‌های آماری تعامل کلاسی در محیط‌های دیجیتال. تهران: انتشارات دانشگاه
- گران، فروغ. (۲۰۲۲). تلفیق داده‌های کیفی و کمی در ارزیابی فناوری‌های آموزشی. تهران: انتشارات پژوهشی
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدا
- مطهری، علی. (۲۰۲۱). الگوهای تکراری در گفتمان‌های آموزشی دیجیتال. تهران: انتشارات پژوهشی



- منصوری، حسین. (۲۰۲۲). ارزیابی کیفی عملکرد سیستم‌های آموزشی دیجیتال. اصفهان: نشر علمی
- میرآباد، سعید. (۱۳۹۸). تأثیر فناوری‌های دیجیتال در نظام‌های آموزش اسلامی. تهران: نشر نوین
- موسوی، ابوالفضل. (۲۰۱۹). پیش‌آزمایش و اعتبارسنجی پرسشنامه‌ها. قم: انتشارات علم
- مفتاح، امیر. (۲۰۲۱). چالش‌های حفظ اصالت متون مقدس در فضای دیجیتال. تهران: انتشارات فرهنگی
- میلانی، رضا. (۲۰۲۲). تجزیه و تحلیل سیاست‌های نوین آموزشی در عصر دیجیتال. مشهد: نشر دانشگاهی
- ناصر، مهدی. (۱۳۹۵). فناوری اطلاعات و آموزش دینی. تهران: انتشارات فرهنگ
- نوایی، فرزاد. (۲۰۲۰). چالش‌های نوین در انتقال معارف دینی. تهران: انتشارات پژوهش
- نجفی، مصطفی. (۲۰۲۰). ارزیابی ابزارهای پژوهشی در آموزش دیجیتال. اصفهان: نشر دانش
- نیکان، فرزاد. (۲۰۲۰). مدل‌های نوین یادگیری در محیط‌های دیجیتال. قم: انتشارات معارف
- نعمتی، رضا. (۲۰۲۲). تحلیل تجربی تعامل استاد و دانشجو در کلاس‌های آنلاین. تهران: انتشارات پژوهشی
- نظری، امیر. (۲۰۲۲). تحلیل آماری همبستگی متغیرهای آموزشی در فضای دیجیتال. تهران: نشر آفاق
- نادری، سعید. (۲۰۲۲). مدل‌های رگرسیونی در تعیین تأثیر فناوری‌های نوین بر کارایی آموزشی. تهران: انتشارات دانش
- نیکنام، علی. (۲۰۲۲). تحلیل همبستگی متغیرهای آموزشی در کلاس‌های آنلاین. مشهد: انتشارات فردوسی
- ناصری، مهدی. (۲۰۲۲). تحلیل انتقادی پیامدهای فرهنگی فناوری‌های نوین در آموزش دینی. تهران: انتشارات پژوهشی
- نیک‌پور، مهدی. (۲۰۲۲). تحلیل همه‌جانبه چالش‌های فناوری در نظام‌های آموزشی اسلامی. تهران: انتشارات فردوسی

- Al-Attas, Syed. (۲۰۱۷). Perspectives on Islamic Education Reform. Kuala Lumpur: International Institute of Islamic Thought
- Esposito, John L. (۲۰۱۵). Modern Challenges in Islamic Education. Cambridge: Cambridge University Press
- Iqbal, Muhammad. (۲۰۱۹). Digital Transformation in Islamic Education. London: Routledge
- Khan, Imran. (۲۰۲۰). Innovations in Islamic Digital Learning. Berlin: Springer
- Nasr, Said. (۲۰۲۰). Perspectives on Digital Islamic Education. Oxford: Oxford University Press
- Rahman, Fazlur. (۲۰۱۶). Islam and the Digital Age: New Dimensions in Education. Chicago: University of Chicago Press,



The impact of new technologies on Islamic teaching systems with an emphasis on reviewing jurisprudential and legal foundations in the digital age

Abstract:

The present research, based on jurisprudential and legal foundations and using an analytical-critical approach, examines the role of new technologies in the transformation and improvement of Islamic teaching systems and evaluates the challenges and opportunities arising from the integration of digital tools in the field of conveying religious concepts. Islamic educational systems, which have long been founded on reliable jurisprudential and religious sources, require a fundamental revision in their educational approaches in the face of rapid technological developments. The use of technologies such as artificial intelligence, augmented reality, and virtual education systems provides the means to create interactive, personalized, and efficient learning environments and can facilitate the preservation of sacred texts and the in-depth interpretation of religious concepts. In this research, a mixed qualitative and quantitative approach was employed, including content analysis of religious texts, comparative studies, and the examination of statistical data obtained from selected samples in countries such as Iran, Malaysia, Turkey, and Egypt. The research carefully examines the challenges associated with the application of new technologies – including the preservation of the authenticity of sacred texts, ensuring information security, and adherence to jurisprudential and legal principles and standards and proposes practical solutions for the development of digital Islamic education policies. The obtained results indicate that the systematic utilization of new technologies not only increases the effectiveness of the teaching process and the transmission of religious values but also creates new horizons for revising jurisprudential-legal frameworks in the face of digital challenges. Accordingly, the development of integrated educational standards based on religious and legal foundations, along with establishing close cooperation among seminaries, researchers of Islamic jurisprudence and law, and technology experts, is proposed as an essential step towards enhancing Islamic teaching systems in the digital age.

Keywords: New technologies, Islamic teaching systems, jurisprudential and legal foundations, digital age.